

Analysis of the Effect of Fiscal and Monetary Policy of Left-Wing and Right-Wing Populist Governments on the Inflation Rate in Developing Countries

Seyyed mohammad meisam mirfendereski: PhD in Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

shahram moeeni: Assistant Professor, Department of Economics, University of Isfahan. Isfahan, Iran

alimorad Sharifi: Associate Professor, Department of Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

The populist and irresponsible fiscal and monetary policies of populist leaders and governments may temporarily satisfy and pacify the masses in the short run, but in the long run, they impose irreparable costs and structural damage on the economies of developing countries. Rapid and runaway inflation has been a key consequence of populist governance in recent decades, particularly in Latin American countries. This study analyzes the effect of populist policies on inflation across 21 populist leadership periods in 11 developing countries using panel data methods. Accordingly, three separate models are estimated for right-wing populist governments, left-wing populist governments, and the full sample, covering the period from 1990 to 2023. The estimation results indicate that in left-wing populist governments, both fiscal and monetary policies have a statistically significant impact on inflation, whereas in right-wing populist governments, monetary policy plays the dominant role, with fiscal policy being less influential. These findings are consistent with the economic nature of left-wing populism, which typically involves an expansion of government size, increased public spending, and direct state intervention in the economy.

Key Words: Fiscal and Monetary Policy, Populism, Inflation Rate, Developing Countries, Panel Data

JEL Classification: *C34, C50, P26, Z81*

تحلیل اثر سیاست‌گذاری مالی و پولی دولت‌های پوپولیستی چپ‌گرا و راست‌گرا بر نرخ تورم کشورهای در حال توسعه

سید محمد میثم میرفندرسکی: دانش آموخته دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

شهرام معینی: استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل) sh.moeeni@ase.ui.ac.ir

علیمراد شریفی: دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

سیاست‌های مالی و پولی توده‌گرا و غیرمسولانه رهبران و دولت‌های پوپولیستی هر چند در کوتاه‌مدت توده‌ها را راضی و آرام می‌کند؛ اما در بلندمدت عوارض و هزینه‌های غیرقابل جبرانی را بر بدنه اقتصادهای کشورهای در حال توسعه تحمیل کرده است. تورم شتابان و افسارگسیخته پیامد بارز حکمرانی رهبران پوپولیستی در دهه‌های اخیر به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین بوده است. در این پژوهش به تحلیل اثر سیاست‌های پوپولیستی بر نرخ تورم در ۱۲ دوره از حکمرانی رهبران پوپولیستی در ۱۱ کشور در حال توسعه به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته شده است. بدین ترتیب از دو مدل برای دولت‌های راست‌گرا و چپ‌گرای پژوهش، طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۳ برای بررسی فرضیه تحقیق استفاده شده است. نتایج برآورد مدل‌ها حاکی از آن است که در دولت‌های پوپولیستی چپ‌گرا و راست‌گرا، هر دو متغیر اندازه دولت (معرف سیاست مالی) و نرخ رشد نقدینگی (معرف سیاست پولی) اثرگذاری معناداری بر نرخ تورم دارند. همچنین طبق برآورد مدل‌ها مشخص گردید که تمامی متغیرهای دامی تعریف شده (معرف دوره‌های پوپولیستی در کشورهای نمونه پژوهش) برای هر دو مدل چپ‌گرا و راست‌گرا اثری معنادار و مثبت بر نرخ تورم دارند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری مالی، سیاست‌گذاری پولی، پوپولیسم، نرخ تورم و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)

طبقه‌بندی JEL: C34, C50, P26, Z81

در دهه‌های اخیر، پدیده توده‌گرایی یا پوپولیسم به یکی از مهم‌ترین روندهای سیاسی و اقتصادی در جهان تبدیل شده است. از آمریکای لاتین تا آسیای شرقی و از خاورمیانه تا اروپا و آمریکای شمالی، دولت‌ها و رهبران پوپولیستی با تکیه بر شعارهای ضد نخبگانی، ضد نهادی، و بسیج توده‌ها، توانسته‌اند نقش مهمی در تعیین مسیر سیاست‌های عمومی ایفا کنند. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که حدود ۲۵ درصد کشورهای جهان در سال‌های اخیر با اشکال مختلفی از حاکمیت پوپولیستی روبه‌رو بوده‌اند (فانک و همکاران ۱، ۲۰۲۰). در هسته مرکزی پوپولیسم، نوعی تقابل‌سازی دوقطبی میان "مردم پاک‌دست" و "نخبگان فاسد" قرار دارد که در عمل، سیاست‌گذاری عمومی را تحت تأثیر دیدگاه‌های ساده‌سازی‌شده و هیجانی قرار می‌دهد (مولر ۲، ۲۰۱۶). پوپولیسم می‌تواند هم در قالب راست‌گرایانه و هم چپ‌گرایانه ظاهر شود، اما آنچه در هر دو نوع مشترک است، رجحان تصمیمات کوتاه‌مدت بر تحلیل‌های بلندمدت و میل به اجرای سیاست‌هایی است که در ظاهر به نفع توده‌هاست، اما در عمل به آسیب‌های عمیق‌تری در ساختار اقتصادی می‌انجامد.

در رهیافت اقتصادی، پوپولیسم به‌ویژه در مطالعات آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاددانانی چون ساکس ۳ (۱۹۸۹) و دورنبوش و ادواردز ۴ (۱۹۹۱) پوپولیسم را به عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی غیرمسئولانه، انبساطی، و بی‌توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای و پولی تحلیل می‌کنند که در نهایت منجر به بروز تورم شدید، کسری بودجه مزمن، بحران‌های مالی و تعدیل‌های اقتصادی دردناک می‌شود. سیاست‌گذار پوپولیست، اقتصاد را ساده می‌بیند و راه‌حل‌هایی سطحی و عوام‌پسندانه برای مسائل پیچیده پیشنهاد می‌دهد (سرزیم، ۱۳۹۵). به طور مثال هوگو چاوز در ونزوئلا هنگامی که با افزایش افسار گسیخته قیمت‌های کالا و خدمات مواجه شد، دستور داد تا نظامی‌ها به فروشگاه‌های سرتاسر شهرها مراجعه نموده و با سرکوب، مانع افزایش قیمت‌ها شوند (مولر، ۲۰۱۶). همچنین، اقداماتی چون کنترل مستقیم قیمت‌ها، توزیع گسترده یارانه، یا افزایش دستمزدها بدون پشتوانه بهره‌وری، همگی در کوتاه‌مدت موجب رضایت عمومی می‌شوند، اما در بلندمدت به افزایش پایه پولی، تورم ساختاری، کاهش سرمایه‌گذاری و بحران‌های کلان اقتصادی منجر می‌شوند (ادواردز ۵، ۲۰۱۹).

تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در معرض دولت‌های پوپولیستی قرار گرفته‌اند، از جمله ونزوئلا و آرژانتین نشان می‌دهد که تورم یکی از مهم‌ترین پیامدهای ساختاری چنین حکمرانی‌هایی است (آبچر و همکاران ۶، ۲۰۲۰). با وجود مطالعاتی درباره اثرات اقتصادی کلان پوپولیسم، هنوز بررسی‌های تجربی و تفکیکی درباره تفاوت‌های سیاست‌های پولی و مالی دولت‌های پوپولیستی راست‌گرا و چپ‌گرا بر متغیرهای اقتصاد کلان، به‌ویژه نرخ تورم، محدود و

¹. Funke et al.

². Muller

³. Sachs

⁴. Dornbush and Edwards

⁵. Edwards

⁶. Absher et al.

ناکافی است. این در حالی است که جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک راست و چپ، تفاوت‌های معناداری در نوع مداخله دولت در بازار، اندازه دولت، و نحوه هدایت منابع پولی و مالی ایجاد می‌کند. از این‌رو، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که: آیا سیاست‌های پولی و مالی دولت‌های پوپولیستی راست‌گرا و چپ‌گرا بر نرخ تورم کشورهای در حال توسعه اثرگذار هستند؟ بنابراین هدف این پژوهش، تحلیل تجربی اثر سیاست‌های پولی و مالی بر نرخ تورم در کشورهای در حال توسعه‌ای است که در معرض حاکمیت دولت‌های پوپولیستی بوده‌اند. با استفاده از روش مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM)، مقاله تلاش دارد نشان دهد که آیا تفاوت‌های ایدئولوژیک در نوع پوپولیسم بر سازوکارهای ایجاد تورم اثر می‌گذارد یا خیر. یافته‌های این تحقیق می‌تواند درک دقیق‌تری از اثرات سیاست‌های پوپولیستی در اقتصادهای نوظهور فراهم کند و از منظر سیاست‌گذاری، به طراحی استراتژی‌هایی برای مهار پیامدهای تورمی چنین دولت‌هایی کمک نماید. ساختار مقاله به این شرح است: در بخش دوم، مبانی نظری و پیشینه پژوهش مرور می‌شود؛ در بخش سوم، روش‌شناسی و داده‌های تحقیق ارائه می‌شود؛ و در بخش پایانی، تحلیل نتایج و پیشنهاد‌های سیاستی مطرح می‌گردد.

۲- ادبیات نظری پژوهش

در این بخش ابتدا مبانی نظری پوپولیسم اقتصادی تشریح می‌شود و سپس پیشینه تحقیق در داخل و خارج ارائه خواهد شد.

۲-۱- مبانی نظری اقتصاد کلان پوپولیسم

الف: تعریف پوپولیسم

پوپولیسم بزرگداشت مفهوم مردم است تا حد مفهومی مقدس، و باور به این که هدف‌های سیاسی را می‌بایست به خواست مردم، جدا از حزب‌ها و نهادهای موجود، پیش برد. پوپولیسم خواست مردم را عین حق و اخلاق می‌داند و این خواست را برتر از همه‌ی سنج‌ها و ساز و کارهای اجتماعی می‌شناسد و بر آن است که باید بین مردم و حکومت رابطه‌ی مستقیم وجود داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۶). اقتصاد پوپولیست رهیافتی است که در آن بهبود وضعیت توزیع درآمد، حمایت از طبقه فرودست و افزایش رفاه در صدر اهداف آن قرار گرفته و برای دستیابی به این اهداف، سیاست‌گذار پوپولیست محدودیت‌های ذاتی اقتصاد را در نظر نمی‌گیرد. پوپولیست‌ها با اجرای سیاست‌های درمانی کوتاه مدت، عوام‌پسند، بدون مطالعه و ساده هزینه‌هایی را بر اقتصاد کشورها تحمیل می‌کنند (دورنبوش و ادواردز، ۱۹۹۱).

ب: اقتصاد کلان پوپولیسم

در ادبیات نظری پوپولیسم اقتصادی، از دو نوع الگوی پوپولیسم اقتصادی یاد شده است. نوع اول پوپولیسم کلاسیک^۲ است که غالباً قبل از دهه ۱۹۹۰ در کشورهای آمریکای لاتین تجربه شده، مانند حکمرانی فوجیموری^۳ در پرو و خوان پرون^۴ در

^۱ Generalized Method of Moments

^۲ Classical Populism

^۳ Fujimuri

^۴ Peron

آرژانتین. نوع دوم پوپولیسم جدید^۱ است که بعد از دهه ۱۹۹۰ تا به امروز در کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورها در جریان است، مانند حکمرانی اردوغان در ترکیه و ولادیمیر پوتین در روسیه (ادواردز، ۲۰۱۹).

- **پوپولیسم کلاسیک:** الگوی پوپولیسم کلاسیک که توسط دورنبوش و ادواردز (۱۹۹۱) ارایه شده و یک مدل چهار مرحله‌ای از شکل‌گیری مراحل سیاست‌های پوپولیست و پیامدهای حاصل از آن در نظر گرفته می‌شود:

مرحله اول: بعد از آن که حکمران پوپولیست بر مسند اقتصادی تکیه زد، ابتدا افزایش دستمزد (سیاست رایج پوپولیست‌ها برای راضی نگه داشتن توده‌ها، این سیاست چندین بار توسط ولادیمیر پوتین^۲ در روسیه اتخاذ شده است) در دستور کار قرار می‌گیرد و سیاست انبساطی دنبال می‌شود. در کوتاه مدت رشد اقتصادی و کنترل قیمت کمک می‌کند تورم پایین بماند و هر گونه کمبود تقاضا با واردات، جبران می‌شود. همچنین در این مرحله حکمران پوپولیستی کاهش ارزش پول ملی را تقبیح می‌کند و مخالف افزایش نرخ ارز است.

مرحله دوم: به تدریج با افزایش تقاضا برای کالا و خدمات و آغاز کمبود ارز، محدودیت‌ها خود را آشکار می‌سازد. در این مرحله افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، کاهش ارزش پول ملی و در نهایت کنترل خروج ارز ضروری می‌شود. با توجه به افزایش تورم و تداوم یارانه‌ها، کسری بودجه ظاهر و تورم به شکل معنادری افزایش می‌یابد، در حالی که دستمزدها در شرایط قبلی باقی مانده‌اند. کسری بودجه در نتیجه یارانه‌هایی که در مرحله قبل بر روی ارز و دستمزد حقیقی اعطا شده، به شدت افزایش می‌یابد.

مرحله سوم: کمبود شدید منابع بودجه و ارز خارجی همراه با شتاب بیش از حد تورم موجب فرار سرمایه می‌شود. کسری بودجه به علت سیستم مالیاتی ناکارآمد و یارانه‌های بالا، رو به وخامت می‌رود. دولت تلاش می‌کند با کاهش یارانه‌ها و افزایش نرخ ارز به کسری بودجه واکنش نشان دهد. این امر کاهش شدید دستمزد اسمی را به همراه دارد و این کاهش، اعتراض‌های عمومی را به دنبال دارد.

مرحله چهارم: معمولاً دولت عوام‌گرا سقوط می‌کند و دولت جدیدی سر کار می‌آید که سیاست‌های اصلاحی سخت‌گیرانه را دوباره برقرار می‌کند (برخی اوقات اجرای برنامه‌های IMF). افت دستمزد حقیقی آن قدر شدید است که دستمزد به جایی پایین‌تر از نقطه‌ای که در هنگام ظهور پوپولیست‌ها بود تنزل می‌کند که معنای آن، این است که پیامد منفی و بلند مدت عوام‌گرایی بدتر از منافع کوتاه مدت آن خواهد بود.

- **پوپولیسم جدید:** از اواسط دهه ۱۹۹۰ نوع جدیدی از پوپولیسم اقتصادی با تاکید بر چهار مرحله اقتصاد کلان پوپولیسم کلاسیک در کشورهای مختلف تجربه شده است. پوپولیسم جدید نسبت به کلاسیک آن تفاوت‌هایی دارد که می‌توان مهم‌ترین این تفاوت‌ها را بدین صورت تشریح نمود. هر چند اعتقاد بر این است که شاکله اصلی الگوی پوپولیسم جدید از الگوی کلاسیک پیروی می‌کند (ادواردز، ۲۰۱۹). در الگوهای جدید، از شتاب تورم کاسته شده است. در الگوهای جدید انباشت مداوم بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و نهادهای مختلف تجربه شده است. تفاوت دیگر در مورد نگرش حکمرانان پوپولیسم جدید نسبت به پدیده جهانی شدن است، به شکلی که در نگرش جدید، کشورها بسته‌تر و منزوی‌تر می‌شوند به نحوی که همواره ملی‌گرا و مخالف مهاجرت بیگانگان به خاک خود هستند. در پوپولیسم

^۱ . New Populism

^۲ . Vladimir Putin

جدید، پوپولیست‌ها از سیستم قانونی کشور یاری می‌گیرند و غالباً قانون اساسی جدید مطابق با اهداف خود تدوین می‌کنند، مانند پوتین در روسیه و رجب طیب اردوغان^۱ در ترکیه (ادواردز، ۲۰۱۹).

- اثر نزدیک‌بینی یا چرخه تجاری سیاسی

اثر نزدیک‌بینی سیاسی^۲ یا چرخه تجاری سیاسی در ادبیات اقتصاد بخش عمومی از عوامل شکست دولت در بخش عرضه اقتصاد قلمداد می‌شود (توکلی، ۱۳۹۱). بر اساس تجربه کشورهای آمریکای لاتین، سیاست‌های پوپولیستی در برخی از این کشورها در نهایت منجر به شکست و یا فروپاشی دولت شده است. سیاست‌های کوتاه‌مدت، غیرمسئولانه و بدون مطالعه ابزار حکمران پوپولیست است و این سیاست‌ها در جهت تامین منافع کوتاه‌مدت توده‌ها (رای‌دهندگان) اتخاذ می‌شود. شوق دیدن رضایت مردم یا اشتیاق در کسب حمایت عمومی موجب می‌شود مدیر یا سیاست‌مدار پوپولیستی منافع بلندمدت را قربانی منافع کوتاه‌مدت کند. در واقع نادانی و بی‌اطلاعی توده‌ها عاملی بر توانمندی پوپولیست بر اجرای این گونه سیاست‌هاست (سرزیم، ۱۳۹۵).

بنابراین می‌توان یکی از عوامل شکست دولت پوپولیستی را در اثر نزدیک‌بینی یا چرخه تجاری سیاسی در تئوری انتخاب عمومی جستجو کرد. کم‌اطلاعی رای‌دهندگان، رفتاری را در سیاست‌مدران برمی‌انگیزد که به آن «اثر نزدیک‌بینی سیاسی» گفته می‌شود؛ چون رای‌دهندگان کم‌اطلاع هستند و قدرت پیش‌بینی هزینه‌ها و منافع آینده را ندارند و سیاست‌مداران و نامزدها به دنبال پیروزی در انتخابات هستند، انگیزه پیدا می‌کنند که اقداماتی را انجام دهند یا قول انجام آن را بدهند که منافع جاری آن (برای راضی نگه داشتن توده‌ها) بر هزینه‌های جاری آن فزونی داشته باشد. در نتیجه می‌توان این گونه استدلال نمود که یک سیاست‌مدار پوپولیست به دنبال اجرای سیاست‌هایی است که در کوتاه‌مدت نتایج مطلوبی به دنبال دارد اما در بلندمدت هزینه‌های آن به مراتب بیشتر خواهد بود. به طور مثال تزریق فزاینده پول (سیاست پولی انبساطی) به بدنه اقتصاد بیمار کشور در مراحل ابتدایی حکمرانی دولت پوپولیستی یا پرداخت بی‌رویه یارانه و پرداخت بلاعوض به توده‌ها (سیاست مالی انبساطی) که در نهایت منجر به کسری بودجه در مراحل بعدی حکمرانی می‌شود و پیامد تورم شتابان و بالا را در این کشورها به دنبال داشته است.

ج: ارایه مدل نظری اقتصاد تورمی در حکمرانی پوپولیستی

تورم یکی از پیامدهای رایج سیاست‌های اقتصادی بدون مطالعه و هیجانی حکمرانان پوپولیستی است. تجربه نشان داده که در کشورهای پوپولیستی، تورم شتابان بعد از یک دوره کوتاه مدت عارض شده و نارضایتی توده‌ها را که خود در ابتدا حامی رهبر پوپولیستی بوده‌اند را به دنبال داشته است (فانک و همکاران، ۲۰۲۰). مهم‌ترین شیوه‌ی یک پوپولیست در اداره اقتصاد این است که اقداماتی برای افزایش هزینه‌های دولت و بالا بردن کمک‌های دولتی به بخش‌هایی از جامعه، به ویژه بخش‌های کم‌برخوردار، انجام می‌دهد و در عین حال، از اقدامات تلخ و نارضایتی‌کننده افزایش درآمدهای دولت سر باز می‌زند (مانند افزایش مالیات). نتیجه این امر آن است که به تدریج کسری بودجه ظاهر می‌شود و گسترش می‌یابد. در بعد خارجی نیز سیاست‌گذار پوپولیست چون افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی را تقبیح کرده است، نمی‌تواند به آن تن دهد. همچنین واردات کالاهای مصرفی را به

^۱ . Recep Tayyip Erdoğan

^۲ . Shortsightedness Effect

صورت دستوری افزایش داده است. نتیجه این دو سیاست نیز آن می‌شود که جریان واردات از صادرات بیشتر شده و کسری تراز پرداخت‌ها ظاهر می‌شود، در نهایت نرخ ارز به صورت جهشی افزایش یافته که خود عامل تورم بیشتر خواهد بود. افزایش شدید تورم و جهش نرخ ارز اعتبار سیاست‌گذار را مخدوش می‌کند و موجب افزایش انتظارات تورمی شده و فضای کسب و کار را نااطمینان کرده، چشم انداز منفی نسبت به آینده ایجاد شده و جریان تشکیل سرمایه کند یا منفی می‌شود. شدت تورم و پیدایش رکود، موجب شده وضعیت اقتصاد به مراتب وخیم‌تر از شروع به کار پوپولیست شده و در نهایت دولت شکست خواهد خورد (دورنبوش و ادواردز، ۱۹۹۱، ادواردز، ۲۰۱۹، استانکو، ۲۰۲۰).

دولت‌های پوپولیستی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، معمولاً با مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی و پولی انبساطی وارد عرصه حاکمیت اقتصادی می‌شوند. این سیاست‌ها که در ظاهر با هدف بازتوزیع منابع، تحریک تقاضا و بهبود معیشت توده‌ها تدوین می‌شوند، در عمل، مهم‌ترین عامل افزایش نرخ تورم در این کشورها هستند. افزایش دستمزدها، پرداخت یارانه‌های گسترده، تثبیت نرخ ارز، کاهش نرخ بهره واقعی و رشد شدید پایه پولی از جمله ابزارهای مورد استفاده چنین دولت‌هایی است. در این شرایط، تورم در کوتاه‌مدت ممکن است به‌ظاهر کنترل شود؛ چرا که با واردات گسترده و قیمت‌گذاری دستوری، جهش قیمت‌ها به تعویق می‌افتد. با این حال، به تدریج آثار و پیامدهای سیاست‌های ابتدایی دولت پوپولیستی نمایان می‌شود. سیاست‌های پولی نظیر افزایش نقدینگی، بدون توجه به رشد تولید واقعی، مستقیماً بر نرخ تورم اثرگذار می‌شوند. در همین حال، سیاست‌های مالی همچون گسترش نقش دولت در مصرف و هزینه‌های عمومی، با تشدید کسری بودجه، فشارهای تورمی را افزایش می‌دهند. اگرچه دولت ممکن است برای حفظ ثبات ظاهری نرخ ارز، به سرکوب ارزی یا استفاده از ذخایر ارزی روی آورد، اما به محض از بین رفتن منابع ارزی، تورم به‌سرعت از کنترل خارج می‌شود (ادواردز، ۲۰۱۹ و سرزعیم، ۱۳۹۵). در چنین ساختاری، تعامل میان رشد نقدینگی، کسری بودجه، و شوک‌های قیمتی منجر به ورود اقتصاد به چرخه‌ای تورمی می‌شود که در آن، کاهش ارزش پول ملی، افت دستمزد حقیقی، و افزایش نااطمینانی سرمایه‌گذاران، پایداری اقتصاد کلان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. رشد انتظارات تورمی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای تداوم این سیاست‌هاست که به‌صورت خودافزا نرخ تورم را در مسیر صعودی قرار می‌دهد. در نهایت، زمانی که ابزارهای مداخله‌گر دولت دیگر کارایی ندارند، فشار تورمی به اوج می‌رسد و دولت یا به اجرای سیاست‌های ریاضتی شدید روی می‌آورد یا با بحران مشروعیت و فروپاشی سیاسی مواجه می‌شود. تجربه تاریخی کشورهای پوپولیستی نشان می‌دهد که در چنین شرایطی، نرخ تورم نه تنها یک پیامد اقتصادی، بلکه به شاخصی از ناکارآمدی نهادی و شکست راهبردی دولت تبدیل می‌شود. در پایان این چرخه، سطح عمومی قیمت‌ها چندین برابر شده، ارزش پول ملی فرو ریخته، و دستمزد حقیقی مردم به‌مراتب پایین‌تر از سطح اولیه بازمی‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت که سیاست‌های پولی و مالی در دولت‌های پوپولیستی نه تنها عامل کلیدی در شکل‌گیری تورم هستند، بلکه سازوکاری نظام‌مند را برای تشدید آن فراهم می‌آورند (ادواردز، ۲۰۱۹ و آپچر و همکاران، ۲۰۲۰).

در ادامه با توجه به الگوی چهار مرحله‌ی اقتصاد کلان پوپولیست یا پوپولیسم کلاسیک (دونبوش و ادواردز، ۱۹۹۱ و ۲۰۱۹)، مدل اقتصاد تورمی حکمرانی پوپولیستی تدوین می‌شود.

شکل ۱- مدل اقتصاد تورمی حکمران پوپولیستی



مطابق با شکل (۱) مشخص است که تورم یکی از هزینه‌ها و پیامدهای سیاست‌های دولت‌های پوپولیستی است. در واقع سیاست انبساطی پولی، پرداخت‌های جاری بالا در پی پرداخت یارانه‌های و پرداخت‌های بلاعوض (سیاست مالی انبساطی) و کنترل بازار ارز و افزایش واردات کالاهای مصرفی، در کسری بودجه دولت و کسری تراز پرداخت‌ها متبلور شده که به صورت افزایش مجدد چاپ پول و افزایش نرخ ارز در نهایت تورم شتابان را به دنبال دارد.

۲-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه پوپولیسم اقتصادی در خارج مطالعات متعدد و در داخل مطالعات محدودی صورت گرفته که در ادامه به مواردی که نزدیک به پژوهش فعلی است اشاره خواهد شد:

برای آشنایی با مفاهیم و اصول نظری پوپولیسم، کتاب "پوپولیسم چیست؟" از یان ورنر مولر^۱ (۲۰۱۶) و کتاب "مقدمه‌ی خیلی کوتاه بر پوپولیسم" از موود و کالتواسر^۲ (۲۰۱۷) پیشنهاد می‌شود. در زمینه پوپولیسم اقتصادی مقاله دورنبوش و ادواردز^۳ (۱۹۹۱ و ۱۸۹۸) با عنوان "اقتصاد کلان پوپولیسم" پیشنهاد می‌شود. این مقاله یکی از پرتکرارترین منابع مرجع برای مطالعات اقتصاد پوپولیسم است. دورنبوش و ادواردز با مطالعه بر کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ الگوی نظری اقتصاد کلان پوپولیسم را طراحی کرده‌اند. آن‌ها اقتصاد کلان پوپولیسم را در چهار مرحله تحلیل نموده و نشان داده‌اند که چگونه سیاست‌های پوپولیستی در کشورهای آمریکای لاتین در نهایت منجر به فروپاشی برخی دولت‌ها شده است. پیرامون پوپولیسم نفتی به مقاله متسن و همکاران^۴ (۲۰۱۶) با عنوان "پوپولیسم نفتی" می‌توان اشاره نمود. آن‌ها الگوی نظری و ریاضی خود را برای پوپولیسم نفتی طراحی کرده‌اند. متسن و همکاران در الگوی نظری خود که برای ساختار یک اقتصاد نفتی در حال توسعه تدوین شده است، به کمک تابع رفاه اجتماعی تحلیل و ثابت کرده‌اند که هر دو سیاست‌مدار رانت‌جو و خیرخواه به پیروی از هم در نهایت سیاست‌های پوپولیستی نفتی را دنبال می‌کنند. فانک و همکاران^۵ (۲۰۲۰) گزارشی جامع با عنوان "رهبران پوپولیستی و اقتصاد" از ۷۲ دوره حکمرانی ۲۵ کشور جهان ارائه نموده‌اند. ایشان از طریق روش کنترل ساختگی رشد اقتصادی را برای کشورهای چپ‌گرا و راست‌گرای پوپولیستی شبیه سازی کرده‌اند. نتایج آن‌ها شکاف معنادار بین رشد اقتصادی شبیه‌سازی شده و واقعی را برای هر دو سری از کشورها نشان می‌دهد. کونست^۶ (۲۰۲۳) در مطالعه خود با عنوان "رژیم‌های رشد دولت‌های پوپولیست: مطالعه‌ای تطبیقی در لهستان و مجارستان"، به تحلیل رابطه میان تغییرات در تقاضا و رژیم‌های رشد و شکل‌گیری دولت‌های پوپولیست راست‌گرا در لهستان و مجارستان پس از بحران مالی جهانی می‌پردازد. در این مقاله از رویکرد اقتصاد سیاسی تطبیقی (CPE) و مدل‌های رشد پساکینزی استفاده شده است. مؤلف با تحلیل تحولات اقتصادی در دو کشور مذکور، به بررسی تغییرات در رژیم‌های رشد و تأثیر آن بر سیاست‌های اقتصادی این کشورها پس از بحران مالی جهانی پرداخته است. یافته‌ها نشان

¹ . Muller

² . Mudde and Kaltwasser

³ . Dornbush and Edwards

⁴ . Matsen et al

⁵ . Funke et al

⁶ . Kuhnast

می‌دهند که در هر دو کشور، احزاب پوپولیست راست‌گرا، سیستمی را بنیان گذاشته‌اند که بر ملی‌گرایی اقتصادی و نقش دولت در کاهش نفوذ خارجی تأکید دارد. این تغییرات عمدتاً ناشی از مطالبات سرمایه‌داران داخلی بوده و منجر به تغییراتی در رژیم‌های رشد و افزایش اهمیت بخش صادرات شده است. ویسوسکی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "سیاست مالی و پوپولیست: مورد لهستان" با استفاده از داده‌های کلان اقتصادی و مدل‌های معادلات همزمان، به تحلیل تغییرات در پارامترهای پایداری مالی لهستان طی دوره ۶۱۰۲-۹۱۰۲ پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از مدل‌های واکنش مالی اولیه به تغییرات بدهی عمومی، نشان داده‌اند که پس از اجرای برنامه‌های مالی جدید در سال ۲۰۱۶، قدرت واکنش تراز اولیه به تغییرات بدهی عمومی به شدت کاهش یافته و از سال ۲۰۱۸ به بعد، این پارامتر منفی و از نظر آماری بی‌اهمیت شده است. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۹، پارامترهای پایداری مالی در لهستان به پایین‌ترین سطح خود از زمان پیوستن به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ رسیده است.

مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه پوپولیسم و به ویژه اقتصاد پوپولیسم برای ایران بسیار محدود است. فرزندگان (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد کلان پوپولیسم در ایران" به مطالعه و تطبیق الگوی دورنبورس و ادواردز در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ پرداخته است. او نشان می‌دهد که طی دوره مذکور سیاست‌های دولت نهم در ایران منطبق بر الگوی پوپولیستی "دورنبورس و ادواردز" است و نتایج اقتصادی تقریباً یکسانی را به دنبال داشته است. علی‌زاده (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد سیاسی پوپولیسم نفتی" به بررسی شاخص‌های اقتصاد کلان ایران طی ساله‌های ۱۹۹۷-۲۰۱۱ پرداخته است. وی به مقایسه دو دولت ایران و عملکرد اقتصادی آن‌ها طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۵ و ۲۰۰۵-۲۰۱۱ پرداخته است و نشان می‌دهد که با شدت گرفتن صادرات نفتی ایران از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان ایران، بهبود پیدا نکرده‌اند. میرفندرسکی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "تدوین شاخص پوپولیسم نفتی و ارزیابی سیاست‌های پوپولیستی بر نرخ تورم ایران با استفاده از روش کنترل ساختگی"، شاخص پوپولیسم نفتی را تدوین نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷ دولت دهم در ایران پوپولیست‌ترین دولت است. همچنین با روش کنترل ساختگی به این نتیجه رسیده‌اند که از سال ۱۳۸۴ به بعد روند شبیه‌سازی شده نرخ تورم و واقعی آن شکاف معناداری باهم دارند.

۳- رهبران پوپولیستی جهان

فانک و همکاران (۲۰۲۰) در گزارش خود، به شیوه کدگذاری، ۷۲ دوره حکمرانی پوپولیستی را از میان ۲۵ کشور جهان طی یک قرن گذشته، معرفی کرده‌اند. جدول (۱) رهبران پوپولیستی جهان را از سال ۱۹۹۰^۲ نشان می‌دهد.

^۱. Wysock et al.

^۲. فانک و همکاران (۲۰۲۰)، دوره‌های پوپولیستی کشورها را در یک قرن اخیر گزارش نموده‌اند، اما در پژوهش فعلی سال ۱۹۹۰ به عنوان سال شروع مطالعه برای تحلیل در نظر گرفته شده است، چرا که داده‌های تمامی کشورها در اختیار است. داده‌های نرخ تورم و دیگر متغیرهای مدل پژوهش از سایت بانک جهانی اخذ شده‌اند. همچنین هیچ کدام یک از داده‌های متغیرهای پژوهش برای کشور آرژانتین در دسترس نیست. همچنین برای کشورهای اسلوواکی، بلغارستان، روسیه، یونان و ونزوئلا داده‌های نرخ تورم و دیگر متغیرهای مدل پژوهش به صورت ناقص در اختیار است.

شایان ذکر است کشور ایران و دوره حکمرانی پوپولیستی آن در گزارش فانک و همکاران^۱ (۲۰۲۰) وجود ندارد و ملاک انتخاب دوره پوپولیستی ایران در جدول (۱)، مطالعه سرزیم (۱۳۹۵) است. با بررسی جدول (۱) دسته‌بندی زیر قابل توجه است:

الف- کشورهای در حال توسعه پوپولیستی: در سه دسته تورم بالا، تورم بالای ده درصد و تورم زیر ده درصد به صورت زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

- کشورهای پرو در دوره فوجیموری^۲، ونزوئلا در دوره مادورو^۳ و برزیل در دوره کلار^۴ تورم‌های بالا یا ابرتورم^۵ را تجربه کرده‌اند.
- کشورهای یونان در دوره سیپراس^۶، ایران در دوره احمدی‌نژاد، اسلوواکی در دوره مچیار^۷، ترکیه در دوره اردوغان^۸، اکوادور در دوره بوکارام^۹، روسیه در دوره پوتین^{۱۰} و ونزوئلا در دوره چاوز^{۱۱} تورم‌های بالای ده درصد را تجربه کرده‌اند.
- کشورهای مجارستان در دوره اوربان^{۱۲}، اکوادور در دوره کورآ^{۱۳}، هند در دوره مودی^{۱۴}، مکزیک در دوره ابرادور^{۱۵}، بولیوی در دوره مورالس^{۱۶}، بلغارستان در دوره بوریسوف^{۱۷}، فیلیپین در دوره استرادا^{۱۸} و آفریقای جنوبی در دوره زوما^{۱۹} تورم زیر ده درصد را تجربه کرده‌اند.

^۱ . فانک و همکاران برای شناسایی رهبران پوپولیست طی یک قرن گذشته، ابتدا فهرستی از رهبران سیاسی در ۶۲ کشور جهان طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۸ تهیه کردند و سپس با استفاده از تعریف استاندارد پوپولیسم بر پایه گفت‌وگو با ضدنخبگانی و مردم‌گرایانه (برگرفته از کاس مود)، محتوای گفتار و سبک رهبری آن‌ها را بر اساس منابع آکادمیک و تاریخی (شامل بیش از ۲۰۰۰۰ صفحه از کتاب‌ها و مقالات) بررسی کرده‌اند. بر این اساس، برای هر کشور و هر سال، یک متغیر باینری تعریف نموده که نشان می‌دهد آیا در آن سال رهبر پوپولیست در قدرت بوده است یا خیر، و رهبران نیز بر حسب جهت‌گیری‌های سیاسی به پوپولیست‌های چپ‌گرا و راست‌گرا تفکیک شده‌اند. در نهایت فهرست ۷۲ دوره رهبران پوپولیستی با گرایشهای مختلف سیاسی برای ۲۵ کشور ارائه نموده‌اند.

^۲ . Fujimori

^۳ . Maduro

^۴ . Collor

^۵ . Hyperinflation

^۶ . Tsipras

^۷ . Meciar

^۸ . Erdogan

^۹ . Bucaram

^{۱۰} . Putin

^{۱۱} . Chavez

^{۱۲} . Orban

^{۱۳} . Correa

^{۱۴} . Modi

^{۱۵} . Obrador

^{۱۶} . Morales

^{۱۷} . Borisov

^{۱۸} . Estrada

^{۱۹} . Zuma

- از میان ۲۴ دوره پوپولیستی جدول، ۱۲ کشور حکمرانی حزب چپ و ۱۲ کشور حکمرانی حزب راست را تجربه کرده‌اند.
- برای کشورهای در حال توسعه، میانگین نرخ تورم در بزرگترین کشورها در دوره کلاسیکترین مقدار و در بلغارستان در دوره بوریسوف کمترین میانگین تجربه شده است.

ب- کشورهای توسعه‌یافته پوپولیستی: شامل کشورهای آمریکا در دوره ترامپ^۱، ژاپن در دوره کویزومی^۲ و ایتالیا در دوره برلوسکونی^۳ تورم زیر ۵ درصد را تجربه کرده‌اند.

ج- پوپولیست راست^۴: پوپولیست دست‌راست بیشتر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی ترویج داشته و ساختار سیاسی-اجتماعی بیرون به درون دارد (افقی). یعنی در مقابل نفوذ مهاجران (به ویژه مسلمانان) قرار می‌گیرد و پیرو سیاست‌های بومی و ملی‌گرایی است. پوپولیست دست‌راستی جنبش احزاب ضد جهانی‌سازی و حمایت‌گرایانه است. به مانند تمامی احزاب پوپولیستی مردم را در مقابل نخبگان قرار می‌دهد، اما مردم را صرفاً بومیان و نه مهاجران خطاب قرار می‌دهد مانند دولت‌های ترامپ در آمریکا و برلوسکونی در ایتالیا (مود و کالتواسر^۵، ۲۰۱۷).

د- پوپولیست چپ^۶: پوپولیست دست‌چپ بیشتر در کشورهای در حال توسعه و آمریکای لاتین ترویج داشته و ساختار سیاسی-اجتماعی بالا به پایین دارد (عمودی). یعنی مردم را در مقابل نخبگان ثروتمند قرار می‌دهد؛ در این رویکرد منظور از مردم، مهاجران نیز خواهد بود. پوپولیست چپ به سیاست‌های رفاهی برآمده از برنامه‌های اجتماعی-اقتصادی سوسیال-دموکرات وابسته است. به مانند احزاب چپ تفکرات ضد طبقاتی دارد اما فراتر از طبقه کارگر، مردم و توده‌ها را در مقابل نخبگان و فرادستان قرار می‌دهد. پوپولیست دست چپ درونمایه‌های چپ و عدالت‌جویانه دارد اما به مانند چپ کلاسیک، رادیکال نیست مانند دولت‌های مورالس در بولیوی یا چاوز در ونزوئلا (آگوستین^۷، ۲۰۲۰).

¹ . Trump

² . Koizumi

³ . Berlusconi

⁴ . Wright-wing Populism

⁵ . Mudde and Kaltwasser

⁶ . Left-wing Populism

⁷ . Agustin

جدول (۱). رهبران پوپولیستی جهان

ردیف	کشور	حکمران	دوره	جناح سیاسی	متوسط تورم دوره
۱	یونان	سپیراس	۲۰۱۹-۲۰۱۵	چپ	۱۱/۴
۲	ایران	احمدی نژاد	۲۰۰۵-۲۰۱۳	چپ	۲۰
۳	برزیل	کلار	۱۹۹۰-۱۹۹۴	راست	۱۴۴۴/۱۷
۴	اکوادور	بوکارام	۱۹۹۶-۱۹۹۷	راست	۲۷/۵۴
۵	اسلوواکی	مچیار	۱۹۹۰-۱۹۹۸	راست	۱۰/۷۲
۶	ترکیه	اردوغان	۲۰۰۱-اکنون	راست	۱۸/۶۷
۷	پرو	فوجیموری	۱۹۹۰-۲۰۰۰	راست	۷۳۴/۸
۸	روسیه	پوتین	۲۰۰۰-اکنون	چپ	۱۰
۹	ونزوئلا	چاوز	۱۹۹۹-۲۰۱۳	چپ	۲۸/۶۲
۱۰	ونزوئلا	مادورو	۲۰۱۳-اکنون	چپ	۱۴۶/۲۹
۱۱	بولیوی	مورالس	۲۰۱۹-۲۰۰۶	چپ	۵/۵
۱۲	مکزیک	ابردور	۲۰۲۴-۲۰۱۸	چپ	۵/۱۷
۱۳	فیلیپین	استرادا	۱۹۹۸-۲۰۰۱	چپ	۶/۱۲
۱۴	آفریقای جنوبی	زوما	۲۰۰۹-۲۰۱۸	چپ	۵/۴۸
۱۵	هند	مودی	۲۰۱۴-اکنون	راست	۵/۱۶
۱۶	اکوادور	کورآ	۲۰۰۷-۲۰۱۷	چپ	۳/۷۶
۱۷	ژاپن	کویزومی	۲۰۰۱-۲۰۰۶	راست	-۰/۳۳
۱۸	آمریکا	ترامپ	۲۰۱۷-۲۰۲۱	راست	۲/۴۷
۱۹	ایتالیا	برلوسکونی	۲۰۰۱-۲۰۱۱	راست	۲/۲۳
۲۰	بلغارستان	بوریسوف	۲۰۰۹-۲۰۱۷	راست	۳/۲۳
۲۱	مجارستان	اوربان	۲۰۱۰-اکنون	راست	۴/۶۴
۲۲	آرژانتین	منم	۱۹۸۹-۱۹۹۹	راست	موجود نیست ^۱
۲۳	آرژانتین	کریشنر	۲۰۰۳-۲۰۰۷	چپ	موجود نیست
۲۴	آرژانتین	فرناندز	۲۰۰۷-۲۰۱۵	چپ	موجود نیست

منبع: فانک و همکاران (۲۰۲۰) و محاسبات پژوهش در ستون نرخ تورم

۴- ارایه مدل و نتایج آماری پژوهش

در این بخش مسئله پژوهش (آیا سیاست‌های پولی و مالی دولت‌های پوپولیستی بر نرخ تورم کشورها در حال توسعه اثری مثبت داشته است؟) از نظر آماری بررسی و تحلیل خواهد شد. در قسمت ابتدایی مدل پژوهش تصریح خواهد شد. در

قسمت دوم، دوره بررسی و حجم نمونه، در قسمت سوم مدل پژوهش برای دو دسته دولت‌های راست‌گرا و چپ‌گرای پژوهش برآورد و تفسیر خواهد شد.

۴-۱ - ارایه مدل، معرفی متغیرهای پژوهش و روش برآورد مدل

براساس بخش مبانی نظری و شکل (۱)، متغیرهای مدل پژوهش به صورت زیر در نظر گرفته می‌شوند (تصریح مولفین):

- متغیرهای مدل:
 - متغیر وابسته: نرخ تورم (P)
 - متغیرهای مستقل:
- ۱- نرخ تورم با یک قفه (P_{t-1}): این متغیر برای لحاظ کردن انتظارات تورمی، در مدل در نظر گرفته شده است.
 - ۲- نرخ رشد نقدینگی (M): این متغیر برای بررسی و تحلیل اثر رشد نقدینگی بر تورم در نظر گرفته شده است. در مبانی نظری پژوهش و شکل (۱)، تحلیل شد که سیاست پولی انبساطی ابزار متعارف دولت‌های پوپولیستی است.
 - ۳- اندازه یا حجم دولت، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی (G): این متغیر برای بررسی و تحلیل اثر حجم دولت بر نرخ تورم در نظر گرفته می‌شود. بر طبق مبانی نظری پژوهش مخارج دولت در دولت‌های پوپولیستی افزایش خواهد یافت. این متغیر معرف سیاست مالی دولت‌هاست.
 - ۴- نرخ رشد ارز (Cu): این متغیر برای بررسی و تحلیل اثر رشد ارز بر تورم در نظر گرفته شده است. تجربه نشان داده که سیاست‌های پوپولیستی به ویژه در مراحل انتهایی دولت با جهش رشد نرخ ارز همراه بوده است.
 - ۵- متغیر مجازی اول برای دولت پوپولیستی بر عرض از مبدا ($D1$): برای بررسی اثر سیاست‌های دولت پوپولیستی بر نرخ تورم، متغیر مجازی (برای سال‌های حکمرانی پوپولیستی در هر کشور برابر با مقدار یک، $Populist=1$) در نظر گرفته شده است.
 - ۶- متغیر مجازی دوم برای دولت پوپولیستی بر شیب ($D2$): برای بررسی اثر سیاست‌های پولی دولت پوپولیستی بر نرخ تورم، متغیر مجازی بر شیب و به صورت حاصل‌ضرب متغیر نرخ رشد نقدینگی و مجازی در نظر گرفته می‌شود. استدلال این است که نقدینگی، ابزار دولت پوپولیستی است و این متغیر برای سنجش سیاست پولی دولت پوپولیستی لحاظ شده است. (برای سال‌های حکمرانی پوپولیستی در هر کشور برابر با: عدد یک ضرب در نرخ رشد نقدینگی دوره، $D2=1 * Cu$).

۷- متغیر مجازی سوم ($D3$): برای بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت پوپولیستی بر نرخ تورم، متغیر مجازی بر شیب و به صورت حاصل‌ضرب متغیر اندازه دولت و مجازی در نظر گرفته می‌شود. استدلال این است که مخارج دولت، ابزار دولت پوپولیستی است و این متغیر برای سنجش سیاست مالی دولت پوپولیستی لحاظ شده است. (برای سال‌های حکمرانی پوپولیستی در هر کشور برابر با: عدد یک ضرب در اندازه دولت دوره، $D3=1*Cu$).

با توجه به متغیرهای معرفی شده مدل (۱) به روش داده‌های تابلویی برآورد می‌شود:

$$P_{it} = \beta_0 + \beta_1 p_{it-1} + \beta_2 M_{it} + \beta_3 Cu_{it} + \beta_4 G_{it} + \beta_5 D_{1it} + \beta_6 D_{2it} + \beta_7 D_{3it} + u_{it} \quad (1)$$

این مدل برای دولت‌های راست‌گرا و چپ‌گرای کشورهای پوپولیستی در حال توسعه نمونه پژوهش به کمک روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (رویکرد آرلانو-باند)^۱ برآورد خواهد شد. دلیل استفاده از این روش، وجود متغیر نرخ تورم با یک وقفه در مدل به عنوان متغیر مستقل است. پس از برآورد مدل‌ها، صحت نتایج آن‌ها با استفاده از آزمون‌های مناسب بررسی می‌شود. به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی در جملات پسماند، از آزمون آرلانو-باند با دو وقفه استفاده می‌شود. همچنین برای سنجش اعتبار ابزارها از آزمون سارگان^۲ استفاده خواهد شد. فرضیه صفر این آزمون، متعامد بودن ابزارها را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود برای اعتبار ابزارها این فرضیه مورد تایید قرار بگیرد. برآورد مدل‌ها به کمک نرم افزار **Stata** انجام شده است.

۴-۲ تعیین دوره بررسی و انتخاب نمونه پژوهش

با توجه به فرضیه پژوهش (آیا سیاست‌های دولت‌های پوپولیستی بر نرخ تورم کشورهای در حال توسعه اثری مثبت داشته است؟) و توضیحات قسمت ۳-۱، ۱۲ دوره پوپولیستی برای ۱۱ کشور (اکوادور دو دوره پوپولیستی را تجربه کرده است) جدول (۱)، طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۳ در نظر گرفته شده‌اند. همچنین کشورهای توسعه یافته آمریکا، ایتالیا و ژاپن از نمونه فوق حذف می‌شوند. کشورهای آرژانتین، روسیه، ونزوئلا، بلغارستان، یونان و اسلوواکی نیز از نمونه پژوهش به دلیل موجود نبودن یا ناقص بودن داده‌های متغیرهای مدل پژوهش از نمونه حذف شده‌اند.

۴-۳ تحلیل برای پوپولیست راست

از میان ۱۱ کشور نمونه پژوهش در ۱۲ دوره پوپولیستی از جدول (۱)، ۶ کشور برزیل، اکوادور (در دوره بوکورام)، پرو، مجارستان، ترکیه و هند، پوپولیست راست را تجربه کرده‌اند.

الف- آزمون مانایی

^۱. Arellano-Bond

^۲. Sargan

^۳. مبنای انتخاب دوره مورد بررسی، در دسترس بودن داده‌های کشورهای مذکور است.

مساله رگرسیون کاذب به مانند الگوهای سری زمانی برای مدل‌های ترکیبی نیز مطرح است. بنابراین در این قسمت آزمون ریشه واحد متغیرهای پژوهش انجام شده است. به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های داده‌های تابلویی ایم، پسران و شین^۱ (۲۰۰۳)، دیکی- فولر^۲ (۲۰۰۱) استفاده شده است. نتایج آزمون‌ها برای این قسمت در جدول (۲) ارایه شده است. فرضیه صفر، نامانایی متغیرها را نشان می‌دهد. اعداد داخل پرانتز، احتمال مربوط به آزمون را نشان می‌دهد. مطابق با جدول (۲) مشخص است که تمامی متغیرهای این قسمت به غیر از دامی دولت، در سطح مانا هستند، اما این متغیر با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	وقفه	آماره آزمون IPS	آماره آزمون ADF
P	۰	(۰/۰) -۴/۶۲	(۰/۰) ۴۹/۷۲
Pt-1	۰	(۰/۰) -۳۴۳/۵۶	(۰/۰) ۴۲/۰۱
M	۰	(۰/۰) -۳/۲	(۰/۰) ۳۵/۴۵
Cu	۰	(۰/۰) -۱۷/۹	(۰/۰) ۴۸/۱
G	۰	(۰/۰۲) -۱/۹۷	(۰/۰۳) ۲۱/۹۸
D2	۰	(۰/۰) -۲/۸۹	(۰/۰) ۳۴/۹۷
D3	۰	(۰/۲۴) -۰/۶۹	(۰/۱) ۱۸/۳۱
D3_1	۱	(۰/۰) -۶/۴۲	(۰/۰) ۶۲/۵۵

منبع: محاسبات پژوهش

ب- برآورد مدل برای کشورهای راست‌گرا

در این قسمت، مدل پژوهش برای کشورهای پوپولیست راست برآورد می‌شود. جدول (۳) نتایج برآورد را نشان می‌دهد. طبق جدول مشخص است که مقدار عرض از مبدا برابر با ۱۹/۸۱- و معنادار است. ضریب نرخ تورم با یک وقفه (متغیر وابسته با یک وقفه به عنوان ابزار، LY) برابر با ۰/۰۳ و معنادار است و علامتی مطابق با انتظار دارد. ضریب اندازه دولت برابر با ۰/۵۱ و ضریب نرخ رشد نقدینگی برابر با ۰/۶۸ و هر دو معنادار بوده و علامتی مطابق با انتظار دارند. ضریب نرخ ارز برابر با ۰/۵۸ و معنادار است و علامتی مطابق با انتظار دارد.

^۱ . Im, Pesaran, Shin

^۲ . Dickey-Fuller

جدول (۳): نتایج برآورد مدل برای کشورهای پوپولیسست راست

متغیر	C	P _{t-1}	M	G	Cu	D1	D2	D3
ضریب	-۱۹/۸۱	۰/۰۳	۰/۶۸	۰/۵۱	۰/۵۷	۵/۰۷	۰/۷۳	۰/۲۶
آماره	-۳/۷۹	۹/۱۱	۱۳/۳۴	۱۳	۱۱/۸۴	۴/۰۲	۱۵/۷۱	۲/۶۴
احتمال	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

منبع: محاسبات پژوهش

ضریب متغیر مجازی اول (بر عرض از مبدا) علامتی مثبت و برابر با ۵/۰۷ است، مقدار آماره و احتمال آن معناداری را نشان می‌دهد. ضریب متغیر مجازی دوم (بر شیب یا حاصل ضرب متغیر مجازی در نرخ رشد نقدینگی) علامتی مثبت و برابر با ۰/۷۳ است، مقدار آماره و احتمال آن معناداری ضریب متغیر مذکور را تایید می‌کند. همچنین ضریب متغیر دامی اندازه دولت برابر با ۰/۲۶ بوده و معنادار است. جدول (۴) نتایج آزمون‌های سارگان و آرانو-باند را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر جدول مشخص است که آزمون سارگان اعتبار و صحت متغیر ابزاری را تایید می‌کند. فرض صفر این آزمون بیانگر اعتبار ابزارها و یا عدم خودهمبستگی جزء اخلاص با متغیرهای ابزاری است که با توجه به مقدار آماره و احتمال آن، فرض صفر تایید شده است. همچنین نتایج آزمون خودهمبستگی گویای آن است که برای AR1 فرض صفر رد و برای AR2 فرض صفر مورد تایید است که اعتبار نتایج را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج آزمونهای سارگان و خودهمبستگی سریالی

آزمون	سارگان	AR(1)	AR(2)
مقدار آماره	۲۷/۲	-۲/۲۷	۰/۲۶۴
احتمال	۰/۹۹	۰/۰۲۲	۰/۷۹

منبع: محاسبات پژوهش

۴-۴ تحلیل برای پوپولیسست چپ

از میان ۱۱ کشور نمونه پژوهش در ۱۲ دوره پوپولیسستی از جدول (۱)، ۶ کشور (بر مبنای دسترسی به داده‌های مدل پژوهش) ایران، اکوادور (در دوره کورآ)، مکزیک، بولیوی، فیلیپین و آفریقای جنوبی، پوپولیسست چپ را تجربه کرده‌اند.

الف - آزمون مانایی

مطابق با جدول (۵) مشخص است که تمامی متغیرهای این قسمت به غیر از مخارج دولت (G) و دامی آن (D3) در سطح مانا هستند و هر دو متغیر مذکور بر طبق جدول با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند.

جدول (۵): نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	وقفه	آماره آزمون IPS	آماره آزمون ADF
P	۰	۳/۹۳- (۰/۰)	۳۷/۸۵ (۰/۰)
Pt-1	۰	۲/۸۷- (۰/۰)	۲۷/۲۲ (۰/۰)
M	۰	۵/۲- (۰/۰)	۵۰/۳۹ (۰/۰)
Cu	۰	۵/۷۸- (۰/۰)	۵۶/۴۲ (۰/۰)
G	۰	۰/۵۱ (۰/۶۹)	۷/۶۳ (۰/۸۱)
G_1	۱	۷/۱۱- (۰/۰)	۷۰/۹۵ (۰/۰)
D2	۰	۲/۴۳- (۰/۰)	۲۴/۵۷ (۰/۰)
D3	۰	۱/۰۴- (۰/۱۴)	۱۶/۴۲ (۰/۱۷)
D3_1	۱	۶/۱۱- (۰/۰)	۵۹/۱۹ (۰/۰)

منبع: محاسبات پژوهش

ب- برآورد مدل برای کشورهای چپ‌گرا

در این قسمت، مدل پژوهش برای پوپولیست چپ برآورد می‌شود. جدول (۶) نتایج برآورد را نشان می‌دهد. طبق جدول مشخص است که مقدار عرض از مبدا برابر با ۵/۱۴- و معنادار است. ضریب نرخ تورم با یک وقفه (متغیر وابسته با یک وقفه به عنوان ابزار، LY) برابر با ۰/۰۹ و معنادار است و علامتی مطابق با انتظار دارد. ضریب اندازه دولت برابر با ۰/۰۵ و ضریب رشد نقدینگی برابر با ۰/۷۹ و هر دو معنادار بوده و علامتی مطابق با انتظار دارند. ضریب نرخ ارز برابر با ۰/۲۵ و معنادار است و علامتی مطابق با انتظار دارد.

جدول (۶): نتایج برآورد مدل اثرات تصادفی برای پوپولیست چپ

متغیر	C	Pt-1	M	G	Cu	D1	D2	D3
ضریب	-۵/۱۴	۰/۰۹	۰/۷۹	۰/۰۵	۰/۰۲	۷/۹	۰/۲۲	۰/۴۵
آماره	۵/۲۱	۴/۱۶	۷۶/۱	۲/۹۸	۱/۲۱	۶۱/۳۱	۹/۳۹	۳/۴۹
احتمال	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰

منبع: محاسبات پژوهش

ضریب متغیر مجازی اول (بر عرض از مبدا) علامتی مثبت و برابر با ۷/۹ است، مقدار آماره و احتمال آن معناداری را نشان می‌دهد. ضریب متغیر مجازی دوم (بر شیب یا حاصل ضرب متغیر مجازی در نرخ رشد نقدینگی) علامتی مثبت و برابر با ۰ است، مقدار آماره و احتمال آن معناداری ضریب متغیر مذکور را تایید می‌کند. همچنین ضریب متغیر دامی اندازه ۲۲/

دولت برابر با ۰/۴۵ بوده و معنادار است. جدول (۷) نتایج آزمون‌های سارگان و آرانو-باند را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر جدول مشخص است که آزمون سارگان اعتبار و صحت متغیر ابزاری را تایید می‌کند. فرض صفر این آزمون بیان‌گر اعتبار ابزارها و یا عدم خودهمبستگی جزء اخلاص با متغیرهای ابزاری است که با توجه به مقدار آماره و احتمال آن، فرض صفر تایید شده است. همچنین نتایج آزمون خودهمبستگی گویای آن است که برای AR1 فرض صفر رد و برای AR2 فرض صفر مورد تایید است که اعتبار نتایج را نشان می‌دهد.

جدول (۷): نتایج آزمونهای سارگان و خودهمبستگی سریالی

آزمون	سارگان	AR(1)	AR(2)
مقدار آماره	۴۴/۶۵	-۳/۸۵	۱/۱۲
احتمال	۰/۷۶	۰/۰	۰/۲۴

منبع: محاسبات پژوهش

۴-۶ بحث و بررسی نتایج برآورد مدل‌ها:

- مطابق انتظار و با پشتوانه نظری اقتصاد کلان (انتظارات تورمی)، نرخ تورم با یک وقفه زمانی در هر دو مدل دارای ضریب مثبت و معنادار بوده است. این نتیجه مؤید آن است که انتظارات تورمی نقش کلیدی در پویایی‌های تورم ایفا می‌کنند و تورم گذشته، محرک اصلی رفتار تورمی در دوره‌های بعدی است؛ الگویی که در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای شکننده ضدتورمی، تشدید می‌شود.
- از سوی دیگر، نرخ رشد نقدینگی نیز در هر دو مدل با ضریب مثبت و معنادار برآورد شده که بیانگر آن است که سیاست پولی انبساطی در همه دولت‌های پوپولیستی (چپ و راست) با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها همراه بوده است. این یافته نشان می‌دهد که صرف‌نظر از جهت‌گیری سیاسی دولت‌های پوپولیستی، مداخله در عرضه پول از مسیر بانک مرکزی، منجر به بروز فشارهای تورمی شده است؛ امری که با ادبیات نظری و تجربی تورم پولی هم‌راستا است.
- همچنین متغیر اندازه دولت (به‌عنوان نماینده سیاست مالی) در هر دو مدل کشورهای پوپولیستی چپ‌گرا و راست‌گرا معنادار و دارای اثر مثبت بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش مخارج عمومی و مداخلات مستقیم در اقتصاد در نهایت اثری مثبت بر نرخ تورم هر دو دسته کشورها داشته است.

در خصوص سه متغیر مجازی طراحی شده برای مدل‌سازی حضور پوپولیسم، نتایج نیز قابل تأمل است:

- متغیر مجازی اول که بر عرض از مبدأ مدل اثر می‌گذارد، در هر دو مدل دارای اثر مثبت و معنادار است.

- متغیر مجازی دوم که تعامل نقدینگی و پوپولیسم را نشان می‌دهد (متغیر مجازی بر شیب)، در هر دو مدل دارای ضریب مثبت و معنادار بوده است. این بدان معناست که اثر تورمی رشد نقدینگی در دولت‌های پوپولیستی مثبت بوده است.
- متغیر مجازی سوم که حاصل ضرب اندازه دولت با متغیر مجازی پوپولیسم است نیز در هر دو مدل چپ‌گرا و راست‌گرا معنادار و با علامت مثبت برآورد شده است. این نتیجه بیانگر آن است که بر خلاف گرایشی خاص، دولت‌های پوپولیستی اثری مثبت و معنادار بر نرخ تورم به واسطه اندازه و حجم خود داشته‌اند.

۵ جمع‌بندی پژوهش:

- تورم شتابان و بالا عارضه جدی است که در یک قرن اخیر در کشورهای پوپولیستی، به ویژه کشورهای آمریکای لاتین تجربه شده است. در این پژوهش بررسی شد که آیا سیاست‌های دولت‌های پوپولیستی در حال توسعه، اثر مثبت بر نرخ تورم این کشورها داشته است؟ برای این بررسی بر اساس ادبیات نظری پوپولیسم اقتصادی، چارچوب و مدل تورمی در حکمرانی کشورهای پوپولیستی تدوین شد. سپس ۱۲ دوره پوپولیستی از ۱۱ کشور بر اساس گزارش فانک و همکاران (۲۰۲۰) برگزیده شد و بر مبنای مدل تورمی پژوهش و با استفاده از تحلیل مدل داده‌های تابلویی، فرضیه پژوهش آزمون شد. مهم‌ترین نتایج در بخش آماری و تخمین مدل بدین قرار است:
- کشورهای برزیل در دوره کلار، پرو در دوره فوجیموری و ونزوئلا در دوره مادورو بیشترین میانگین نرخ تورم را در دوره پوپولیستی خود تجربه کرده‌اند.
 - براساس مطالعه سرزیم (۱۳۹۵) برای ایران، دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، دوره پوپولیستی در نظر گرفته شد. میانگین نرخ تورم در این دوره ۲۰ درصد بوده است.
 - در میان کشورهای در حال توسعه، کمترین میانگین نرخ تورم برای یک دوره پوپولیستی، مربوط به کشور بلغارستان در دوره بوریسوف تجربه شده است.
 - کشورهای توسعه یافته ژاپن، ایالات متحده و ایتالیا هر سه در دوره پوپولیستی خود، میانگین نرخ تورم زیر ۵ درصد را تجربه کرده‌اند.
 - نتایج برآورد مدل‌ها حاکی از آن است که در دولت‌های پوپولیستی چپ‌گرا و راست‌گرا، هر دو سیاست مالی و پولی، اثرگذاری مثبت و معنادار بر تورم دارند.

۶ سپاس‌گزاری: از سباستین ادوآدز^۱ برای هم‌فکری در تدوین مدل تورمی پژوهش، شکل (۱).

^۱ . Edwards

۷ فهرست منابع:

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، چاپ چهاردهم، نشر مروارید.
- بابائی، مجید، توکلیان، حسین و شاکری، عباس (۱۳۹۷)، پیش‌بینی نحوه اثرگذاری عوامل موثر بر تورم با استفاده از مدل‌های میانگین‌گیری پویا، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۸ (۷۱)، ۲۶۱-۳۱۱.
- بدیع، برتراند (۲۰۱۸). بازگشت پوپولیست‌ها. ترجمه: عبدالوهاب احمدی (۱۴۰۱). تهران: نشر آگه.
- بهرامی‌کمیل، نظام (۱۴۰۰)، توتالیتراریسم فرهنگی، چاپ اول، نشر کویر.
- توکلی، احمد (۱۳۹۱)، مالیه عمومی، چاپ شانزدهم، انتشارات سمت.
- ثمودی، علیرضا (۱۴۰۰)، پوپولیسم اروپایی، چاپ اول، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سرزیم، علی (۱۳۹۶)، پوپولیسم ایرانی، چاپ دوم، نشر کرگدن.
- سوری، علی (۱۴۰۰)، اقتصادسنجی، چاپ اول، نشر نور علم.
- کاویانی، زهرا (۱۳۹۶)، مقدمه‌ای بر اقتصاد کلان پوپولیسم، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- میرفندرسکی، محمد میثم، شریفی، علیمراد، رنانی، محسن، معینی شهرام (۱۴۰۲)، تدوین شاخص پوپولیسم نفتی، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۳۰ (۲)، ۹-۳۴.
- Acemoglu, Daron, Egorov, Georgy, Sonin, Konstantin (2001). A Political Theory of Populism, Working Paper, 17306, www.nber.org
- Alizadeh, P. (2014), Iran and the Global Economy, First Published by Routledge.
- Ball, C, Freytag, A, Kautz, M. (2019). Populism-what Next? A First Look at Populist Walking-Stick Economies, CESifo Working Paper, No, 7914.
- Bittencourt, M. (2009). Polarisation, Populism and Hyperinflation, University of Pretoria, Working Paper Series, 23278, www.nber.org.
- Bresser-Pereira, L. (1993). Economic Reforms and Economic Growth, Cambridge University Press.
- Bresser-Pereira, L, Acqua, F. (1991), Economic Populism Versus Keynes, Journal of Post Keynesian Economics, 14 (1), 29-38.
- Cortes, R. (2010). Danger of Populism, Bogota D.C, No 26.
- DornBusch, Rudiger and Edwards, Sebastian (1990). Macroeconomic Populism, Journal of Development Economics, 32, 247-277.
- DornBusch, Rudiger and Edwards, Sebastian (1991). Macroeconomics of Populism in Latin America, NBER Books from National Bureau of Economic Research.
- Edwards, S. (2019). On Latin America Populism, and Its Echoes around the World, Journal of Economic Perspectives, 4, 76-99.
- Farzanegan, M. (2009). Macroeconomic of Populism in Iran, MPRA Paper No. 15546.
- Funke, M, Schularick, M, Trebesch, C. (2020), Populist Leaders and Economy, Kiel Working Paper, No. 2169.
- Frisell, L. (2004). Populism, NBER Working Paper, No, 166.
- Grier, K, Maynard, N. (2016). The Economic Consequence of Hugo Chavez: A Synthetic Control Analysis, Journal of Economic Behavior and Organization, 125, 1-21.
- Gunning, Patrick. (2006). "Understanding Democracy: an Introduction to Public Choice", Nomad press, 130, 249-250.
- Gussio, Luigi. et al. (2017). Demand and Supply of Populism, www.NBER.com.

- Harris, Richard and Sollis, Robert. (2003). Applied Time Series Modelling and Forecasting, New York, Wiley, 187 Pages.
- Hawkins, Kirk A. et al. (2019), Measuring Populist Discourse: The Global Populism Database,.
- Kalteasser, C. (2019). Populism and the Economy, International Policy Analysis.
- Karl, T. (1997). The Paradox of Plenty, University of California Press.
- Krueger, Ann O. (1974). The Political Economy of Rent-seeking, American Economic Review, 64, 291-303.
- Matsen Egil, Gisle Natvik and Ragnar Torvik. et al. (2016). Petro Populism, Journal of Development Economics, 118, 1-12.
- McClelland, R. (2017). Synthetic Control Method, LEQS Paper, 112, 1-44.
- Moeeni, Shahram, Sharifi Alimorad, Mozafari Helen, Mohamadi, Vahid (2021). The Impact of Iran oil Sanctions on the Exchange Rates, Iranian Economic Review, 25(3): 397-417.
- Mudde, Cas and Kaltwasser, Cristobal (2017). Populism, New York, Oxford University Press, 131 Pages.
- Muller, Jan-Werner. (2016). What is Populism?, Pennsylvania, University Pennsylvania Press, 123 Pages.
- Ocampo, Emilio. (2015). Commodity Price Booms and Populist Cycles, www.cema.edu.ar
- Pesaran, Hashem. (2015). Time Series and Panel Data Econometrics, London, Oxford University Press, 1095 Pages.
- Sachs, J. (1989). Social Conflict and Populism in Latin America, Working Paper No. 2897.
- Seghezza, Elena and Pittaluga, Giovanni. (2018). Resource Rents and Populism in Resource-dependent Economies, European Journal of Political Economy, 54, 83-88.
- Taggart, P. (2000), Populism, Open University Press.